

درس نهم

اوضاع اجتماعی عصر ائمه علیهم السلام

دیدیم که مسئولیت ولایت و حکومت رسول خدا صلی الله علیه و آله، پس از ایشان نیز ادامه می‌یابد و براساس تدبیر حکیمانه خداوند، امیرالمؤمنین علیه السلام و فرزندان معصوم ایشان جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله را برعهده گرفتند و از جانب خدا به ولایت و رهبری جامعه برگزیده شدند. اکنون می‌خواهیم اوضاع اجتماعی مسلمانان در عصر ائمه علیهم السلام و نحوه برخورد آنان با جانشینان پیامبر را بررسی کنیم.

در آیه شریفه زیر بیندیشید و به سؤالات پاسخ دهید :

و محمد نیست، مگر رسولی	وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ
که پیش از او رسولان دیگری بودند.	قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ
پس اگر او بمیرد یا کشته شود،	أَفَأَنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ
آیا شما به (دین) گذشتگان خود بر خواهید گشت؟	انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ
و هر کس به عقب باز گردد،	وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقِبَيْهِ
به خدا هیچ گزند و زبانی نرساند	فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا
و خداوند به زودی سپاسگزاران را پاداش می دهد.	وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ

آل عمران: ۱۴۴

۱. خداوند چه هشداری به مردم زمان پیامبر می دهد؟

۲. سپاسگزاران واقعی نعمت رسالت، چه کسانی هستند؟

مروری کوتاه بر رخدادهای عصر ائمه علیهم السلام

پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله، حوادثی رخ داد که رهبری امت را از مسیری که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برنامه ریزی کرده و بدان فرمان داده بود، خارج کرد و در نتیجه، نظام حکومت اسلامی که بر مبنای «امامت» طراحی شده بود، تحقق نیافت. نتیجه این پیشامد آن بود که امامان معصوم با وجود حضور در جامعه، فاقد قدرت و امکانات لازم برای اجرای همه جانبه مسئولیت های خود شدند. فقط در یک دوره کوتاه چهار سال و نه ماهه، اداره حکومت به امام علی علیه السلام رسید و ایشان در همین دوره کوتاه، عالی ترین نمونه انسانی حکومت را به همه نسل ها در سراسر تاریخ عرضه کرد.

پس از ایشان، حکومت به دست بنی امیه افتاد. آنان کسانی بودند که سرسختانه با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مبارزه کرده بودند و فقط هنگامی تسلیم شدند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شهر مکه را فتح کرد و آنان راهی جز تسلیم و اطاعت نداشتند. ابوسفیان که رهبری مشرکان را برعهده داشت، حدود دو سال قبل از رحلت پیامبر به ناچار تسلیم شد و به ظاهر، اعلام مسلمانی کرد. معاویه، پسر او که جنگ صفین را علیه امیرالمؤمنین به راه انداخت، در سال چهارم هجری به نام جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله، حکومت مسلمانان را به دست گرفت و خلافت رسول خدا صلی الله علیه و آله را به سلطنت تبدیل کرد.

معاویه، یزید را، برخلاف تعهدی که با مسلمانان کرده بود، جانشین خود قرار داد؛ شخصی که از هیچ کار زشت و ناپسندی ابایی نداشت. زنان زیبا را حتی اگر در عقد دیگران بودند، مجبور به طلاق می کرد و به کاخ خود می آورد؛ احکام خداوند، مانند نماز را به بازی و سخره می گرفت، آشکارا شراب می خورد، سگ بازی و میمون بازی، کار روزانه او بود؛ با همان سگ و میمون، وارد مجالس می شد و آنها را کنار دست خود می نشاند. همین شخص، نوه گرامی پیامبر، امام حسین علیه السلام و یارانش را با وضع هولناکی به شهادت رساند و خانواده ایشان را که نوادگان پیامبر بودند، به عنوان اسیر، در شهرها گرداند. جانشینان وی تا سال ۱۳۲ هجری قمری بر مردم حکمرانی کردند.

فعالیت کلاسی

به نظر شما چه عواملی باعث شد تا جامعه اسلامی با گذشت پنجاه سال از وفات پیامبر، نوه ایشان یعنی امام حسین علیه السلام را به شهادت برساند؟

امیرالمؤمنین علی علیه السلام، در سخنرانی های متعدد، مسلمانان را نسبت به حکومت بنی امیه بیم می داد^۱ و از ظلم هایی که بر مردم روا خواهند داشت، آگاهشان می کرد. ایشان در یکی از خطبه های خود در این باره فرمود:

«به خدا سوگند، بنی امیه تا آنجا در ستمگری و تجاوز پیش خواهند رفت که هر حرامی را حلال نمایند و هر پیمانی را که بسته اند، بشکنند. هیچ کلبه گلی و خیمه فقیرانه ای نیست، مگر آنکه ظلمشان را ببینند و فشارشان را تحمل کنند. کار به آنجا خواهد رسید که هم، گروهی که دینشان را می خواهند بر دینشان بگریند و هم گروهی که دنیای خود را می خواهند بر نابسامانی دنیای خود گریان شوند»^۲.

پس از سقوط بنی امیه، حکومت مسلمانان به دست بنی عباس افتاد. آنان با اینکه خود را از عموزادگان ائمه اطهار علیهم السلام می دانستند و به نام اهل بیت، قدرت را از بنی امیه گرفته بودند، روش سلطنتی بنی امیه را ادامه دادند و در ظلم و ستم به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله از چیزی فروگذار نکردند، به گونه ای که اگر دو میراث گران قدر پیامبر صلی الله علیه و آله - قرآن کریم و ائمه اطهار علیهم السلام - نبود، جز نامی از اسلام باقی نمی ماند.

اکنون به بررسی مسائل و مشکلات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این دوره می پردازیم تا به مجاهدت های امامان بزرگوار بیشتر پی ببریم.^۴

۱- برخی از این سخنرانی ها در کتاب «نهج البلاغه» آمده است. از جمله در خطبه های ۹۸، ۱۴۷، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۸ و ۱۶۶.

۲- نهج البلاغه، قسمتی از خطبه ۹۸.

۳- حفظ کردن عین سخنان امیرالمؤمنین ضروری نیست. فقط می توان سؤالاتی مشابه با فعالیت تطبیق از این سخنان طراحی کرد.

۴- برای مطالعه بیشتر به کتاب های فروغ ابدیت و فروغ امامت از استاد جعفر سبحانی مراجعه کنید.

مشکلات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر ائمه علیهم السلام :

۱- ممنوعیت از نوشتن احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله : پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله، نوشتن احادیث آن حضرت ممنوع شد. به همین جهت، کسانی که به این احادیث علاقه‌مند بودند، فقط می‌توانستند آنها را به حافظه بسپارند و از این طریق به دیگران منتقل کنند. نگهداری حدیث به این شیوه، نتایج نامطلوبی داشت، از جمله این که :

- الف) امکان کم و زیاد شدن عبارت‌ها یا فراموش شدن اصل حدیث را فراهم می‌کرد.
- ب) شرایط مناسبی برای جاعلان حدیث فراهم می‌آمد که براساس اغراض دنیایی به جعل یا تحریف حدیث بپردازند یا به نفع حاکمان ستمگر از نقل برخی احادیث خودداری کنند.
- ج) بسیاری از مردم و محققان از یک منبع مهم هدایت بی‌بهره می‌ماندند و به ناچار، سلیقه شخصی را در احکام دینی دخالت می‌دادند.

با اینکه سال‌ها بعد نوشتن حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله آزاد شد و حدیث‌نویسی رواج یافت، اما به علت اینکه اصحاب پیامبر در میان مردم نبودند، هم احادیث زیادی جعل شد و هم احادیثی تحریف شد و دیگر معلوم نبود که آیا واقعاً این احادیث از پیامبر است یا نه^۱.

۲- تحریف در معارف اسلامی و جعل احادیث : برخی از عالمان وابسته به قدرت و گروهی از علمای اهل کتاب (یهودی و مسیحی) مانند کعب الاحبار که ظاهراً مسلمان شده بودند، از موقعیت و شرایط برکناری امام معصوم استفاده کردند و به تفسیر و تعلیم آیات قرآن و معارف اسلامی، مطابق با افکار خود و موافق با منافع قدرتمندان پرداختند. برخی از آنها در مساجد می‌نشستند و داستان‌های خرافی دربارهٔ پیامبران برای مردم نقل می‌کردند. این مطالب به کتاب‌های تاریخی و تفسیری کسانی که پیرو ائمه نبودند، راه یافت و سبب گمراهی بسیاری از مسلمانان شد.

حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس اغلب به اندیشه‌هایی میدان می‌دادند که به نفع آنان بود و قدرت آنان را تقویت می‌کرد. برخی از دنیادوستان برای نزدیکی به این حاکمان، احادیثی از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جعل می‌کردند و از حاکمان جایزه می‌گرفتند.

۱- در درس بعد خواهید دید که این وضع برای پیروان ائمه پیش نیامد زیرا احادیث پیامبر نزد ائمه حفظ شده بود و شیعیان این احادیث را از طریق معصومین به دست می‌آوردند.

نمونه‌ای از احادیث مجعول

کعب الاحبار از علمای یهودی تازه‌مسلمان بود که در زمان خلیفه سوم به مقام قضاوت رسید. او پس از آن به دربار معاویه و امویان راه یافت و توجیه‌گر کارهای آنان شد. به عنوان نمونه، حکام اموی که سرگرم جمع‌آوری ثروت و ساختن کاخ‌های باشکوه بودند، وقتی با اعتراض مردم روبه‌رو می‌شدند، به کعب الاحبار روی می‌آوردند. روزی یکی از همین حاکمان که گنجینه‌های بزرگ طلا فراهم کرده بود، از او پرسید: «اگر کسی زکات واجب طلا و نقره خود را داده باشد، آیا واجب است کار دیگری هم انجام دهد؟» وی گفت: «حتی اگر تک‌تک لقمه‌هایش هم از طلا و نقره باشد، هیچ چیز دیگری بر او واجب نیست». ابوذر، صحابی بزرگ پیامبر ﷺ که در آن مجلس حاضر بود و می‌دید که چگونه فردی بیگانه با ارزش‌های اسلام، به نام اسلام از ثروت‌اندوزان دفاع می‌کند، از شدت خشم و بدون ترس از حاکم، عصای خود را بر سر او زد و فریاد برآورد:

«ای کافر! تو را با احکام مسلمانان چه کار؟ آیا سخن خداوند راست‌تر از سخن تو نیست که می‌فرماید: آنان که زر و سیم می‌اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند، به عذابی دردناک بشارتشان ده؟»^۱.

همین کعب الاحبار، به دستور معاویه احادیثی جعل کرد که نشان دهد سرزمین شام که محل حکومت معاویه بود، از سرزمین مکه و مدینه نزد خداوند برتر است. مثلاً نقل می‌کرد: «محبوب‌ترین سرزمین‌ها در پهنه زمین، نزد خداوند، شام است و محبوب‌ترین نقطه شام، نزد خداوند، قدس می‌باشد».^۲

همچنین نقل می‌کرد که «خداوند نهم‌دهم خیر و برکت خود را در شام قرار داده و یک جزء باقی مانده را در تمام نقاط زمین تقسیم کرده است».^۳

چون او اصالتاً یهودی بود، می‌کوشید در روایاتی که جعل می‌کند، بیت المقدس را برتر از کعبه نشان دهد. مثلاً از پیامبر نقل می‌کرد که «کعبه هر روز صبحگاهان برای بیت المقدس سجده می‌کند».^۴

۱- توبه: ۳۴.

۲- مستدرک الوسائل، میرزای نوری، ج ۷، ص ۲۶.

۳- تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ۱۱۰/۱، چاپ دمشق.

۴- همان، ۱۴۷/۱.

۵- تفسیر در المثور، ۱۳۶/۱.

۳- ظهور شخصیت‌ها و الگوهای نامناسب: عموم مردم در اعتقادات و عمل، دنباله‌رو

شخصیت‌های برجسته جامعه خود هستند و آنها را الگو قرار می‌دهند.

با توجه به همین مسئله، هرچه که جامعه از زمان پیامبر ﷺ فاصله می‌گرفت، حاکمان وقت تلاش می‌کردند که الگوهای اصیل اسلامی، به خصوص اهل بیت پیامبر ﷺ، به انزوا کشیده شوند و افرادی که از معیارهای اسلامی به دورند، در جامعه جایگاهی برجسته پیدا کنند و الگوی مردم قرار بگیرند. این‌گونه شخصیت‌ها در دستگاه حکومت بنی‌امیه و بنی‌عباس صاحب موقعیت بودند و به شهرت رسیدند.

بیشتر بدانیم

از جمله این افراد، کعب‌الاحبار و ابوهریره بودند. این دو پس از پیامبر، به خصوص در دوره بنی‌امیه به عنوان شخصیت‌های مطرح در نقل حدیث معرفی شدند. کعب‌الاحبار که قبل از مسلمان شدن، یهودی بود، آن قدر از تورات تحریف شده به عنوان «کتاب خدا» نام می‌برد که مردم می‌دانستند «کتاب خدا» نزد وی تورات است، نه قرآن. معاویه درباره وی می‌گفت: «بدانید که کعب‌الاحبار یکی از دانشمندان است».^۱ ابوهریره هم که خودش به صراحت علت مسلمان شدنش را سیر شدن شکمش عنوان می‌کرد به شدت از معاویه طرفداری می‌کرد و احادیث بسیاری در فضیلت معاویه جعل می‌کرد. این‌رو به ثروت و مقام بالایی رسید و معاویه وی را امام جماعت و حاکم مدینه کرد. او در یکی از احادیث جعلی خود می‌گوید: «از پیامبر شنیدم که می‌گفت خداوند امانت وحی را به سه نفر سپرد: من، جبرئیل و معاویه».^۲ او آن قدر احادیث جعلی ساخت که حضرت علی علیه السلام درباره او فرمود: «دروغ‌گوترین مردم به رسول خدا ابوهریره است».^۳

۴. تبدیل حکومت عدل نبوی به سلطنت: پیامبر خدا ﷺ حکومتش را بر پایه برابری و

مساوات بنا کرد و اعلام نمود همه انسان‌ها از یک مرد و زن آفریده شده‌اند و ملاک کرامت و گرامی بودن، تقواست.

اما حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس، به تدریج مسیر حکومت را عوض کردند و برای خود و اطرافیان خود کاخ‌های بزرگ و مجلل ساختند و خزائن خود را از جواهرات گران‌قیمت انباشته کردند، اکثر

۱- الطبقات الكبرى، ۳۵۸/۲.

۲- البداية و النهاية، ابن کثیر، ج ۸، ص ۱۲۰.

۳- شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۴، ص ۶۸.

املاک و زمین‌های کشاورزی را به مالکیت خود درآوردند و به خوشگذرانی مشغول شدند. این تغییر مسیر، جامعه مسلمانان را به جامعه‌ای دنیاگرا و ظلم‌پذیر تبدیل کرد که به راحتی تسلیم حکومت‌های ستمگر می‌شدند و به ندای حق‌طلبان کمتر توجه می‌کردند. به عبارت دیگر، رفتار حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس، به تدریج جامعه مؤمن و فداکار عصر پیامبر اکرم ﷺ را به جامعه‌ای عافیت‌طلب، تسلیم و بی‌توجه به سیره و روش پیامبر اکرم ﷺ تبدیل کرد. این تغییر فرهنگ، سبب شد که ائمه اطهار علیهم‌السلام با مشکلات زیاد روبه‌رو باشند و نتوانند مردمان آن دوره را با خود همراه کنند.

بیشتر بدانیم

معاویه، اولین حاکم بنی‌امیه، اولین حاکمی در اسلام بود که برای خود کاخ ساخت و بر تخت نشست و تاج بر سر نهاد. گویند هزینه ساخت کاخ او به اندازه بار طلای ۱۸ مرکب بوده است. ابوذر که از یاران بزرگ پیامبر بود و به دمشق تبعید شده بود، به معاویه گفت: «اگر این کاخ را از مال خدا می‌سازی خیانت کرده‌ای و اگر از مال خودت است، اسراف است.»

ظرف‌های کاخ معاویه نیز، از طلا و نقره بود. لباس‌های حریر می‌پوشید و بر آسبی که زین آن طلاکاری شده بود، می‌نشست. خانواده‌اش نیز لباس‌های زربافت می‌پوشیدند. در یکی از سفرهایش به مدینه، ۱۵ مرکب بارواندازهای پوستین ارغوانی‌رنگ در پی‌اش روان بود که بر هر یک کنیزی نشسته بود. وقتی اشراف و سران مدینه نزد وی آمدند، به هر یک ۱۰ تا ۱۰۰ دست از جامه‌های مخصوص خود را بخشید.

تاجی داشت که با گذشت هر سال از حکومتش، گوه‌ری به آن می‌افزود. او همواره شراب می‌نوشید. شترهایی ویژه حمل شراب داشت. یکی از سرگرمی‌های او دعوت از زنان آوازه‌خوان و شنیدن آوازهای آنان بود. هنگامی که خبر شهادت امیرمؤمنان را شنید، بر تخت لمیده بود، با شنیدن این خبر به سرعت نشست و گفت: کنیز! آواز بخوان که امروز چشمم روشن شد.^۱

اندیشه و تحقیق

- ۱- چرا قرآن کریم و پیشوایان ما، مردم را به مطالعه سرگذشت ملت‌ها دعوت کرده‌اند؟
- ۲- چه مسائلی زمینه را برای ورود جعل و تحریف به احادیث پیامبر اکرم ﷺ آماده کرد؟
- ۳- تفاوت‌های اساسی حکومت بنی‌امیه و بنی‌عباس با رهبری پیامبر ﷺ چه بود؟

۱- برگرفته از احسن التقاسیم، ص ۱۶۰؛ مروج الذهب، ج ۳، ص ۱۵ و ۳۱ و ج ۱۰، ص ۳۳۳ تا ۳۳۶؛ الفدیر، ج ۱۰، ص ۲۵۸.